

مرکز تخصصی مهدویت
حوزه علمیه قم



فصلنامه علمی - تخصصی
سال ۹، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۸

ندای آسمانی

سید حسن زمانی*

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۶/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۲۰

چکیده

میان علامت‌های قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه ندای آسمانی جایگاه ویژه‌ای دارد. مطرح شدن این مطلب در روایات فراوان، تطبیق آیاتی از قرآن توسط اهل بیت علیهم السلام بر آن، مطرح شدن آن در آخرین توقیع، حتمی بودن و آغاز ظهور حضرت به وسیله ندا، نشان از اهمیت آن دارد. مهم‌ترین هدف از ندای آسمانی، شناساندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به جهانیان و اعلان آمدن او است. در این نوشتار، ابتدا مباحث «واژه شناسی ندا»، «هدف از اعلان ندا»، «نشانه‌های حتمی و بدا»، و «ندای آسمانی در قرآن کریم» مطرح می‌شوند، سپس ندای آسمانی معرفی و به وظیفه مخاطبان ندا و نداهای دیگر و ندای آسمانی از نگاه عامه اشاره می‌شود. کلید واژه‌ها: ندا، صیحه، ظهور، اعلان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، نشانه حتمی، بدا.

مقدمه

وعده ظهور برقرار کننده عدالت در جهان و برچیننده ظلم از گیتی، برجسته‌ترین آینده بینی حجت‌های پروردگار است که همه ادیان آسمانی از آن خبر داده‌اند. این حادثه، به قدری با ارزش است که آینده نگری‌های وحیانی، نشانه‌ها و حوادث پیرامون آن را بازگو کرده‌اند. بخش زیادی از روایت‌های اسلامی در بحث مهدویت، مربوط به علامت‌های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

*. فارغ التحصیل سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.

میان نشانه‌ها، «ندا یا صیحه آسمانی» جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا ده‌ها حدیث درباره آن به دست ما رسیده است. آیاتی از قرآن کریم - به ویژه آیه چهارم سوره شعراء - طبق روایت‌های تفسیری بر آن دلالت دارند. این نشانه، در توقیع آخر برای نایب چهارم علی بن محمد سمري مطرح شده و ظهور حضرت مهدی علیه السلام منوط به خروج سفیانی و صیحه آسمانی معرفی شده است.

علاوه بر این، ندای آسمانی از نشانه‌های حتمی قیام حضرت مهدی علیه السلام به شمار می‌آید. با این ندا، نام و نسب و برحق بودن حضرت مهدی علیه السلام و پیروانش برای جهانیان اعلان می‌شود و مردم از زمان ظهور آگاه می‌شوند. می‌توان گفت با آمدن فردی با خصوصیت‌های سفیانی از وادی یا بس و تسلط او بر منطقه خاور میانه و رخ ندادن «ندای آسمانی» نمی‌توان ادعا کرد این فرد، همان سفیانی مطرح شده در علایم حتمی متصل به قیام حضرت مهدی علیه السلام است؛ ولی با اعلان ندای آسمانی ظهور حضرت رقم می‌خورد.

در این نوشتار، مطالبی درباره ندا، به صورت فشرده مطرح می‌شود و سپس به بحث اصلی درباره آن می‌پردازیم.

الف. واژه شناسی ندا

در احادیث ندا، واژه‌های «ندا» «صیحه» «صوت» «اعلان» «فزع» و «هده» به کار رفته است که به توضیح اجمالی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. واژه «ندا» به معنای خواندن با صدای بلند است. «النداء رفع الصوت و ظهوره؛ ندا بلند کردن و آشکار کردن صدا را گویند» (راغب، بی تا: ص ۴۸۶). در روایت‌ها، واژه «ندا» بیشتر برای صدایی بامحتوا، به کار رفته است.

۲. واژه «صیحه» به معنای فریاد یا صدای بسیار بلند است. «الصوت بأقصى الطاقة؛ مراد از صیحه، صدا با نهایت توان است» (طریحی، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۳۸۹). این واژه در احادیث ندا، برای صدای با محتوا استفاده شده است.

۳. واژه «صوت» به معنای صدای سخن است. «الصوت فی العرب جرس الکلام» (طریحی، همان: ص ۲۰۹). صوت در زبان عربی به معنای صدای سخن است. در چندین روایت از احادیث نداء، کلمه «صوت» آمده است. در حدیثی، عبدالله بن ابی یعفر از امام جعفر صادق علیه السلام می‌پرسد: «مراد از صوت چیست؟ آیا همان ندا دهنده است؟» فرمود: «بلی و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می‌شود» (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۲۶۶).

۴. واژه «اعلان» به معنای «آشکار کردن» آمده است. «علن الامر...أی شاع و ظهر؛ علقن الأمر، یعنی آن امر را آشکار و پخش کرد» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۱۴۱).

تنها در یک روایت از احادیث نداء، کلمه «یعلن» آمده است. این حدیث، از امام رضا علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید: «بردن نامش در دوران غیبت جایز نیست تا این که ایشان را می‌بینند و نامش اعلان می‌شود و تمامی مردم آن را می‌شنوند» (خصیبی، ۱۴۱۹، ج ۱: ص ۳۶۴). در نتیجه «اعلان» در این روایت، به معنای آشکارا بیان شدن نام حضرت مهدی علیه السلام برای همه مخلوقات است.

۵. واژه «فزعه» به معنای ترس است. «فزع منه... أخافه و روعه؛ فزع منه، یعنی از او ترسیده و هراسناک شده» (ابن منظور، بی تا: ج ۸، ص ۲۵۱). اگر درباره ندای آسمانی، این واژه را بپذیریم، ترسناکی ندای آسمانی را روشن می‌کند.

۶. واژه «هده» به معنای صدایی است که از فرو ریختن یا انهدام چیزی شنیده می‌شود. «الهدء هدم له وقع و سقوط شیء ثقیل و الهدء صوت وقعیه؛ هدء به معنای انهدامی است که همراه فرو ریختن و سقوط شیء سنگینی باشد. الهدء، صدای فرو ریختن آن را گویند» (راغب، همان، ص ۵۳۷). در احیث شیعه، تعبیر «هده» درباره ندا نیامده است؛ ولی در تعداد قابل ملاحظه‌ای از روایت‌های عامه، تعبیر «هده» به کار رفته است.

در روایتی عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌پرسد: ای رسول خدا! مراد

از صیحه چیست؟ فرمود: صدایی است که در نیمه رمضان شنیده می‌شود»
(مروزی، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۱۸۵).

ب. هدف از اعلان ندا

۱. شناساندن حضرت مهدی علیه السلام به جهانیان

مهم‌ترین هدف ندای آسمانی، شناساندن امام زمان علیه السلام به جهانیان است؛ زیرا قیام آن امام، انقلابی جهانی است و شناسایی او نیز باید جهانی باشد، تا حجت بر همگان تمام شود و نگویند راه و مسیر حق را نشناختیم. در روایتی وقتی عبدالله بن ابی یعفر از امام جعفر صادق علیه السلام می‌پرسد: «آیا مراد از صوت، همان ندا دهنده است؟» حضرت در پاسخ می‌فرماید: «بلی و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می‌شود (نعمانی، همان: ص ۲۶۶).

۲. بشارتی برای مؤمنان و رنجشی برای کافران

پیروان حق با شنیدن ندای آسمانی، نشاط و شادابی خاصی می‌یابند و آگاه می‌شوند که مولایشان بعد از قرن‌ها انتظار می‌آید و در پرتو آن، حق و عدالت همه جا را نورانی خواهد کرد. گویی با شنیدن ندا، روحی تازه در وجودشان دمیده می‌شود. از سوی دیگر، دشمنان حضرت مهدی علیه السلام با شنیدن آن ندا، می‌فهمند برابر قدرت آسمانی او توانی ندارند و نمی‌توانند مقاومت کنند. از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

هنگام فقدان آب گوارا، بسیاری از مردان و زنان مؤمن، دلسوخته و متأسف و اندوهناکند. گویی آنان را در ناامیدترین حالاتشان می‌بینم که ندا را می‌شنوند؛ ندایی که از دور، مانند شنیده شدن از نزدیک، شنیده می‌شود. آن، رحمتی برای مؤمنان و عذابی بر کافران است (شیخ صدوق، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۵۹).

۳. اتمام حجتی همگانی

ندای آسمانی، همگانی است و هر کس با زبان خود این ندا را می‌شنود (نعمانی،

همان: ص ۲۶۲). دیگر جایی برای عذر و بهانه باقی نمی‌ماند که اگر واقعاً می‌دانستیم او حجت خداوند است، از او پیروی می‌کردیم. در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «به اسم و کنیه و نسب حضرت، ندا داده می‌شود. این مطلب، دهان به دهان بین اهل حق و باطل و موافقان و مخالفان می‌چرخد، تا حجت را بر آنان در شناختن او تمام کند» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ص ۳).

ج. نشانه‌های حتمی و بدا

با توجه به حتمی بودن ندای آسمانی که با واژه‌های گوناگون در احادیث اهل بیت علیهم السلام (طوسی، ۱۴۲۵: ص ۴۳۵؛ نعمانی، همان: ص ۲۶۱) بیان شده است، آیا احتمال عدم وقوع ندای آسمانی هست؟ به عبارت دیگر آیا می‌شود در نشانه‌های حتمی بدا حاصل شود؟ داوود بن قاسم جعفری می‌گوید: «نزد ابوجعفر علیه السلام [امام نهم] بودیم که از سفیانی و حتمی بودن امر او سخن میان آمد. از امام پرسیدم: «آیا در امر محتوم، بدا حاصل می‌شود؟» فرمود: «بلی». به آن حضرت گفتم: «می‌ترسم در امر قائم علیه السلام نیز بدا حاصل شود؟» فرمود: «آمدن قائم علیه السلام از وعده‌های الهی است و خداوند، خلف وعده نمی‌کند» (نعمانی، همان: ص ۳۱۴).

این حدیث، بدا را در امور حتمی جایز می‌شمارد. بنا بر این روایت، احتمال دارد ندای آسمانی واقع نشود. نشانه حتمی، به علامتی گویند که آمدنش بر امر دیگری متوقف نباشد و صد در صد واقع شود؛ به همین دلیل می‌بینیم علامه مجلسی در توجیه روایت بالا می‌گوید: «احتمال دارد مراد از واقع شدن بدا در امور محتوم، بدا در خصوصیات آن‌ها باشد، نه در اصل وجودشان؛ مانند خروج سفیانی قبل از نابودی بنی عباس و مانند آن» (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۲۵۱). توجیه علامه مجلسی نمی‌تواند مناسب باشد؛ زیرا خلاف ظاهر روایت است؛ ولی می‌توان گفت:

اولاً: روایت از جهت سند، به دلیل مجهول بودن «محمد بن احمد بن عبدالله

خالنجی» ضعیف به شمار می‌آید.

ثانیاً: بر فرض اعتبار سند، با احادیث دیگر که امور حتمی را تغییر ناپذیر معرفی می‌کنند، منافات دارد (نعمانی، همان: ص ۳۱۲؛ شیخ طوسی، همان: ص ۴۴۹).

ثالثاً: صاحب مکیال المکارم می‌نویسد:

غرض و منظور از قرار دادن نشانه‌ها آن است که مردم به وسیله آن‌ها امام غایب خود را بشناسند و از کسی که به دروغ ادعای امامت کند، پیروی ننمایند؛ پس هر گاه تمام نشانه‌ها تغییر کند و هیچ یک از آن‌ها برای مردم آشکار نشود، نقض غرض لازم می‌آید و این، بر خداوند محال است (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۵۱۲).

رابعاً: می‌توان از روایات، سه مطلب استفاده کرد:

۱. اخباری که اگر شرایط حاصل شود و مانعی نباشد، حادث می‌شوند.
۲. اخباری که همه شرایطشان حاصل است و مانعی برای تحقق ندارند، مگر اراده و خواست الهی.
۳. اخباری که همه شرایطشان آماده است و مانعی ندارند و خداوند در تحقق آن‌ها دخالت نمی‌کند؛ زیرا با وجود قدرت بر این کار، با صفات ربوبی او نمی‌سازد؛ مانند ستم که خداوند قادر بر آن است؛ ولی از باری تعالی محال است «و لا یظلم ربک احداً»؛ چون با عدل الهی منافات دارد. همچنین است وعده الهی که خداوند خلف وعده نمی‌کند: ﴿ان الله لا یخلف المیعاد﴾ (آل عمران، ۹).

امور حتمی، از نوع دوم است؛ یعنی شرایطشان حاصل و مانعی برای تحققشان وجود ندارد؛ ولی اراده و خواست الهی در تحقق آن‌ها دخیل است (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۲: ص ۶۰). پروردگار متعال به سبب اثرهای مطلوب نشانه‌های حتمی و اثرهای نامطلوب رخ ندادن آن‌ها از تحققشان جلوگیری نمی‌کند. در ندای آسمانی، آنچه حتمی مطرح شده است، اصل ندا است؛ ولی خصوصیات آن، حتمی نیست؛ مثال، زمان ندا می‌تواند ماه رمضان نباشد و هر زمان می‌توان منتظر ندای آسمانی و ظهور حضرت مهدی علیه السلام بود. «توقعوا الفرج صباحاً و مساءً» (شیخ طوسی، همان: ص ۴۵۷).

د. ندای آسمانی در قرآن کریم

آیاتی از قرآن کریم به وسیله احادیثی از پیشوایان معصوم علیهم السلام بر ندای آسمانی، تفسیر یا تطبیق شده‌اند (نعمانی، همان: ص ۲۶۷ و ۲۶۹؛ قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۲۶؛ حسینی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۷۳۲). روایاتی، مراد از «آیه» چهارم سوره شعراء را صیحه یا ندای آسمانی دانسته‌اند (قمی، همان: ص ۱۱۸؛ کلینی، همان: ج ۸، ص ۲۵۸؛ نعمانی، همان: ص ۲۶۷).

آیه چنین است: ﴿ان نشأ نزل علیهم من السماء آیه فظلت أعتاقهم لها خاضعین﴾؛ اگر بخواهیم از آسمان بر آنان آیه‌ای [= معجزه‌ای] نازل می‌کنیم، تا گردن‌هایشان برابر آن فروتن شود.

جایگاه آیه در بحث مهدویت

میان احادیثی که مراد از «آیه» را ندای آسمانی می‌دانند، پنج روایت با سند صحیح وجود دارد. عبدالله بن سنان می‌گوید: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم. شنیدم مردی از همدان به حضرت می‌گوید: «آنان [= عامه] ما را مسخره می‌کنند و به ما می‌گویند: شما گمان می‌کنید منادی از آسمان به اسم صاحب این امر ندا می‌دهد؟!». عبدالله بن سنان می‌گوید: امام در حالی که تکیه داده بود، ناراحت شد و صاف نشست. سپس فرمود:

از من روایت نکنید و از پدرم نقل کنید و این مطلب برای شما اشکالی ندارد. شهادت می‌دهم من از پدرم شنیدم که می‌فرمود: «به خدا قسم این مطلب در کتاب خداوند عز و جل روشن است. وقتی می‌آورد «ان نشأ...» پس در آن وقت کسی در زمین نمی‌ماند، مگر این که گردش مقابل آن، خاضع شده و فرو می‌افتد» (نعمانی، همان: ص ۲۶۷).

دیدگاه مفسران

تفسیر آیه با آنچه در این روایات مطرح شده است، مناسبت ندارد؛ به همین دلیل مفسران به دنبال پاسخ این اشکال بر آمده‌اند:

علامه طباطبایی درباره این احادیث می‌گوید:

در تفسیر قمی، ذیل آیه «إِنْ نَشَأْ نُزَلِّ...» می‌گوید: پدرم از ابن ابی عمیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرد که فرمود:

گردن‌هایشان - بنی امیه - با صیحه آسمانی به نام صاحب الامر علیه السلام نرم و خاضع می‌شود. می‌گویم: این معنا را کلینی در *روضه کافی* و صدوق در *کمال الدین* و مفید در *ارشاد* و شیخ در *الغیبه* روایت کرده‌اند و ظاهر این روایات، همه از باب جری و تطبیق است نه از باب تفسیر؛ چون سیاق آیه با تفسیر بودن آن نمی‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ص ۲۵۴).

این حدیث در *تفسیر قمی* از ابن ابی عمیر از هشام از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است (قمی، همان: ج ۲، ص ۱۱۸).

در تفسیر نمونه آمده است:

روشن است که منظور از این روایات، بیان مصداقی از مفهوم وسیع آیه است که سرانجام به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام رهبر حکومت جهانی، تمام حکومت‌های ظلم و جور که خط بنی امیه را ادامه می‌دهند، به حکم اجبار در برابر قدرت مهدی و حمایت‌های الهی او، سر تسلیم فرود می‌آورند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ص ۱۸۸).

نتیجه

چنان‌که گذشت اهل تفسیر «ندای آسمانی» را از باب جری و تطبیق و بیان مصداقی از مفهوم وسیع آیه دانسته‌اند؛ یعنی مفهوم آیه چنین است: خداوند هر وقت بخواهد، معجزه‌ای از آسمان می‌فرستد، تا گردن‌ها برابر آن فرو افتد و تسلیم امر خداوند شوند و یکی از مصداق‌های آن، می‌تواند هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ندای آسمانی به نام آن حضرت باشد.

سؤال: آیا خداوند کسی را از روی اجبار به پذیرش ایمان دعوت می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش، شیخ طوسی در ذیل آیه می‌گوید:

«ایمان اجباری، مقصود از تکلیف را نقض می‌کند؛ زیرا خدای تعالی اگر این

کار را بکند، دیگر مستحق ثواب و مدح نخواهند بود» (طوسی، بی تا: ج ۸، ص ۵) پس ایشان این کار را از خداوند نفی می کند.

در پاسخ به این پرسش می توانیم بگوییم: وقتی به آیات قرآن می نگریم، درباره بنی اسرائیل چنین می خوانیم: «وقتی کوه [طور] را بر سر آنان بر افراشتیم، گویی سایبانی بود و گمان بردند که بر آنان فرو خواهد افتاد [و گفتیم]: آنچه به شما داده ایم، با قوت بگیرید و آنچه در آن هست، به خاطر بسپارید، تا تقوا پیشه کنید» (اعراف، ۱۷۱).

بنا بر مفاد این آیه، خداوند، بنی اسرائیل را مجبور به ایمان و پذیرش دستورهای تورات می کند، هنگامی که آنان به سبب سختی شریعت، از پذیرفتن آن سرباز می زدند. شیخ طوسی ذیل این آیه می گوید:

دلیل قرار گرفتن کوه بر آنان این بود که حضرت موسی علیه السلام وقتی تورات را بر ایشان آورد و از احکام و حدود آن آگاه شدند و سختی عبادت و پذیرش آن را فهمیدند، از پذیرفتن آن امتناع ورزیده و گفتند: این کار بر ما سخت و سنگین است. پس خداوند، کوه را مانند سایبانی بر روی آنان افراشت و حضرت موسی علیه السلام به آنان فهماند که اگر تورات را نپذیرید و به دستورهای مطرح شده در آن عمل نکنید، کوه بر شما فرود می آید؛ به همین دلیل آنان تورات را پذیرفتند و خداوند فرود آمدن کوه را از آنان باز داشت (طوسی، همان: ج ۵، ص ۲۵).

می بینیم شیخ طوسی ایمان اجباری درباره بنی اسرائیل را مطرح می کند و هیچ اعتراضی به بی ارزش بودن آن نمی کند یا توجیهی برای آن نمی آورد. در تفسیر نمونه این سؤال مطرح شده است که آیا ایمان آوردن در این حال (کوه طور بالای سر) جنبه اجباری ندارد؟ و پاسخ می دهد «شک نیست که در آن حال، یک نوع اضطرار بر آنان حکومت می کرده؛ ولی مسلماً بعد از بر طرف شدن خطر، راه را با اختیار خود می توانستند انتخاب کنند» (مکارم شیرازی، همان: ج ۶، ص ۲۳۸). این مطلب، درباره ندای آسمانی نیز صادق است؛ یعنی گر چه ندا باعث کرنش

ابتدایی همگان می‌شود، ولی پس از مدتی، هر کس راه خود را انتخاب می‌کند و این مطلب در روایات اهل بیت علیهم‌السلام پس از شنیدن ندای ابلیس، مطرح شده است (نعمانی، همان: ص ۲۶۷).

بحث اصلی در این نوشتار، بیان ویژگی‌ها و پیامدهای ندای آسمانی و وظیفه مخاطبان در مقابل آن است که در چند محور بیان می‌شود.

محور اول. ویژگی‌های ندای آسمانی

الف. ندا دهنده

احادیثی ندا دهنده را جبرئیل امین علیه‌السلام معرفی می‌کنند (نعمانی، همان: ص ۲۶۲؛ طوسی، ۱۴۲۵: ص ۴۵۴؛ صدوق، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۵۵۸؛ حسینی، همان: ص ۷۰۸؛ بحرانی، بی تا: ص ۲۳۸). این مطلب با عبارت‌های «هی جبرئیل»، «هو صوت جبرئیل» «ینادی به جبرئیل» و... آمده است. این روایات، از نظر سند ضعیف هستند؛ ولی به دلیل تظافر آن‌ها و نداشتن مخالف، می‌توان پذیرفت که ندای آسمانی توسط جبرئیل امین علیه‌السلام اعلان می‌شود.

ب. مکان ندای آسمانی

بیشتر احادیث، به آسمانی بودن ندا با عبارت‌های مختلف اشاره دارند. در یک روایت، عبارت متفاوتی آمده است: «لا یخرج القائم حتی ینادی باسمه من جوف السماء» (نعمانی، همان: ص ۳۰۱). در این حدیث که از امام جعفر صادق علیه‌السلام نقل شده است، کلمه «جوف» به آسمان اضافه شده است که اشاره دارد که مکان ندا، وسط آسمان است.

ج. زمان ندای آسمانی

یکی از مباحث مهم و قابل طرح درباره ندای آسمانی، زمان آن است. این مطلب از چند حیث قابل بررسی است:

یکم. زمان مطرح شده در احادیث برای ندا

زمان آن در احادیثی، ماه مبارک رمضان معرفی شده است. این احادیث با عبارت‌های «صیحة فی شهر رمضان»، «یکون الصوت فی شهر رمضان»، «شهرالله تعالی و فیه ینادی باسم صاحبکم و اسم ایبه» و... آمده است (نعمانی، همان: ص ۲۶۲ و ۲۶۶؛ صدوق، همان: ج ۱، ص ۵۹۷؛ طوسی، همان: ص ۴۵۲ و...). میان این روایت‌ها، شش حدیث، زمان ندا را شب بیست و سوم معرفی می‌کنند و از میان آن‌ها، سه حدیث، بر شب جمعه بودن ندای آسمانی دلالت دارد.

نکته‌ای که قابل بررسی است، شب یا روز بودن زمان ندا است؛ زیرا کنار روایاتی که زمان ندا را ماه رمضان و در شب معرفی می‌کرد، روایاتی زمان ندا را اول روز معرفی می‌کنند. این احادیث با عبارت‌های «ینادی مناد من السماء فی اول النهار» و... بر این مطلب دلالت دارد (کلینی، ۱۴۰۵: ج ۸، ص ۱۷۷؛ صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۸؛ طوسی، همان: ص ۴۳۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۷۱).

برای جمع این دو دسته از احادیث، فرض‌هایی قابل طرح است:

فرض اول. شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، شب قدر است. در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است: «شب قدر در هر سال واقع می‌شود و روز آن مانند شب آن است» (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۴، ص ۳۳۱). بنابر این روز بیست و سوم، جزئی از شب آن حساب شده است و از اول شب بیست و سوم تا غروب روز بیست و سوم، شب قدر به حساب می‌آید. در این صورت، ندای آسمانی اول روز بیست و سوم واقع می‌شود که قسمتی از شب قدر است.

فرض دوم. مراد از شب در «لیلة ثلاث و عشرين» و «لیلة جمعة» هنگام طلوع فجر باشد؛ زیرا هنگام طلوع فجر، قدر مشترک میان شب و روز به حساب می‌آید. در فضیلت نماز صبح، هنگام طلوع فجر چندین روایت نقل شده است و دلیل این فضیلت را حضور ملائکه شب و ملائکه روز مطرح می‌کنند (کلینی، همان: ج ۳، ص ۲۸۲؛ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۲۱۱).

بنابر این اگر ندای آسمانی، هنگام طلوع فجر اعلان شود، هم اطلاق «شب بیست و سوم» بر آن صحیح است و هم اطلاق «روز» به ویژه این‌که، احادیث دلالت کننده بر واقع شدن ندای آسمانی در روز، همگی قید «اول النهار» را دارند و اول روز، هنگام طلوع فجر است.

فرض سوم. اختلاف زمان ندای آسمانی، به حساب مکان‌ها است؛ یعنی به دلیل اختلاف افقها. البته ندای آسمانی یکی است و یک‌بار اعلان می‌شود؛ ولی یک جا، اول شب بیست و سوم است و یک جا، آخر شب و جای دیگر، اول روز بیست و سوم؛ لذا اختلاف مطرح شده در احادیث، به این دلیل است.

فرض چهارم. تکرار ندای آسمانی است؛ یعنی ندای آسمانی اول، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به معرفی نام و نسب حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازد و ندای آسمانی دوم، اول روز است؛ یعنی اول روز بیست و سوم، ندای دوم به حقانیت علی علیه السلام و پیروانش اعلان می‌شود. گویا با اعلان ندای اول، بسیاری از مردم جهان باز حضرت را نمی‌شناسند؛ ولی با ندای دوم و با توجه به شناختی که از شیعیان دارند، می‌فهمند که مراد از ندای اول، همان امام دوازدهم شیعیان، حضرت مهدی علیه السلام است که می‌آید.

فرض پنجم. تکرار ندای آسمانی است؛ یعنی ندای آسمانی اول، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان به معرفی نام و نسب حضرت می‌پردازد و ندای دوم، اول روز است؛ اما روز آن مشخص نیست. احتمال دارد روز قیام حضرت مهدی علیه السلام در دهم محرم، از کنار کعبه باشد که روایاتی بر این مطلب دلالت می‌کنند (نعمانی، همان: ص ۲۶۲؛ صدوق، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۶۰۳؛ حر عاملی، بی‌تا: ج ۳، ص ۵۷۰). شواهدی که بر تکرار ندای آسمانی دلالت می‌کنند، چنینند:

۱. محتوای ندای آسمانی شب بیست و سوم با محتوای ندای اول روز فرق دارد. در اولی محتوا، معرفی نام و نسب حضرت مهدی علیه السلام است و در دومی محتوا، بر حق بودن علی علیه السلام و شیعیان ایشان یا رستگاری آنان است.

۲. احادیثی که بر تکرار ندای آسمانی دلالت می‌کنند در این باره دو حدیث را می‌آوریم:

روایت اول. جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام ندای جبرئیل امین را سه بار در طول روز مطرح می‌کند و محتوای ندا را معرفی حضرت مهدی به نام و نسب می‌داند. البته این حدیث از جهت سند، ضعیف است و به صورت مرسل در کتب متأخر ذکر شده است (حسینی، همان: ج ۲، ص ۷۳۲؛ بحرانی، بی تا: ص ۲۳۸) و از حیث دلالت نیز با مدعای ما سازش ندارد؛ زیرا تکرار ندا را سه بار می‌داند و آن هم در روز و با یک محتوا.

روایت دوم. حدیث معتبری است که زراره بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند. در این روایت، زراره می‌گوید:
شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

منادی از آسمان ندا می‌دهد: «به درستی که فلانی، همان امیر است» و منادی ندا می‌دهد: «همانا علی و شیعه او همان رستگاران هستند». گفتم: «[با وجود این معجزات] پس چه کسی با حضرت مهدی علیه السلام نبرد می‌کند؟» فرمود: «شیطان ندا می‌دهد: همانا فلانی و شیعه او، همان رستگارانند... (نعمانی، همان: ص ۲۷۲؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۲۹۴).

در این حدیث، به زمان ندای آسمانی اشاره نشده است؛ ولی تکرار ندا را ثابت می‌کند و در مقابل دو ندای آسمانی، یک ندای شیطانی مطرح می‌شود. این حدیث، با روایات معرفی ندا در شب بیست و سوم و ندای آسمانی در اول روز سازگار است؛ زیرا ندای آسمانی در شب بیست و سوم، معرفی حضرت مهدی علیه السلام به نام و نسب است و ندای اول در این روایت نیز معرفی حضرت مهدی علیه السلام است و ندای اول در روز، بیان حقانیت امیر مؤمنان علیه السلام و شیعیانش یا رستگاری آنان بود و محتوای ندای دوم در این حدیث، حقانیت و رستگاری آنان است.

نظر اندیشوران

یکی از پژوهشگران، قائل به یک ندای آسمانی است و وجود دو ندا را نمی‌پذیرد. حتی فرق در محتوای ندا را توجیه می‌کند و قائل به جمع یا کنار گذاشتن یکی از دو محتوا می‌شود. به هر صورت وی قائل به یک ندای آسمانی و آن هم در بیست و سوم ماه مبارک رمضان است. او می‌نویسد:

بعد از حمل مطلق بر مقید و مجمل بر مبین، مطالب ذیل به دست می‌آید:
۱. مراد از ندایی که از امور محتوم است، همان ندای جبرئیل علیه السلام به نام قائم علیه السلام است.
۲. مراد از ندای بر حق، جز این نیست. ۳. صیحه جبرئیل علیه السلام نیز همین ندا است (صدر، ۱۴۱۲: ص ۱۳۰).

نویسنده دیگری قائل به چندین ندا شده است که عبارتند از: سه ندای آسمانی در ماه رجب، دو ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان و دو ندای دیگر در ماه رمضان، و ندای حضرت صاحب الامر علیه السلام در ماه ذیحجه که همگان می‌شنوند و ندای جبرئیل علیه السلام در ذیحجه بعد از بیعت و ندای دیگری در روز عاشورا به امارت حضرت و چند ندای دیگر؛ ولی او ندایی را که دارای اهمیت و کثرت اخبار و حتمی بودن می‌داند، دو ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان است. او می‌نویسد:

اما ندای اول، ندایی است که در شب خواهد بود، در شب بیست و سوم. جبرئیل چنان صیحه‌ای زند که همه عالم بشنوند و خوابیده‌ها بیدار شوند و همه به فزع در آیند؛ به این جهت این ندا را «صیحه و فزعه» نیز نامیده‌اند... اما ندای دوم، حتمی است. اگر چه اخباری که در خصوص این ندا است، تصریح ندارد که ندا کننده جبرئیل است؛ بلکه [به] همین اندازه که منادی از آسمان ندا خواهد کرد [اکتفا شده است]؛ اما در اخبار مطلقه که در اصل ندا است، تصریح دارد به این که ندا کننده جبرئیل است... این ندای دوم، در اول روز است؛ در همان روز بیست و سوم، اما به نام امیر المؤمنین علیه السلام (خراسانی، ۱۳۸۴: ص ۲۸۱).

در نوشتار دیگری، تعدد ندهای آسمانی مطرح شده است و آن‌ها از جهت زمان و محتوا، متفاوت معرفی می‌شود. اما ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان را از علایم

حتمی می‌داند. وی می‌گوید: «از احادیث به دست می‌آید صیحه‌ای که بیشترین اهمیت را دارد و از علایم حتمی محسوب می‌شود، آن است که در ماه مبارک رمضان رخ می‌دهد» (فزوینی، ۱۳۸۰: ص ۴۰۹).

با توجه به قرائنی که بیان شد، به نظر می‌رسد اگر تکرار ندای آسمانی را بپذیریم، باید به توالی و پشت سر هم بودن دو ندا قائل باشیم؛ به صورتی که یکی به حساب آیند؛ زیرا وقتی ندای ابلیس برابر ندای آسمانی مطرح می‌شود، در روایات از مخاطبان خواسته شده است که از صدای نخست پیروی کنید و نیامده است که از صدای اول و دوم پیروی کنید. سه حدیث که یکی از آن‌ها از حیث سند معتبر است، با عبارت‌های «الصوت الاول» (نعمانی، همان: ص ۲۶۲ و ۲۶۹)، «النداء الاول» و «المنادی الاول» (همان، ص ۲۶۷؛ بحرانی، همان: ص ۱۵۷) این مطلب را بیان می‌کنند.

دوم. حوادث قبل از ندای آسمانی

۱. اختلاف بنی عباس

درباره این نشانه که از حیث سند، معتبر است و از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، این گونه آمده: «ای جابر! ملازم زمین باش و دست و پایی حرکت نده [کنایه از حرکت نکردن برای یاری حضرت مهدی علیه السلام] تا علامت‌هایی که برایت می‌شمارم، ببینی. اولین آن‌ها، اختلاف بنی عباس است و نمی‌بینم آن را درک کنی؛ ولی برای بعد از من، از طرف من آن را ذکر کن و منادی از آسمان ندا می‌دهد و...» (نعمانی، همان: ص ۲۸۸).

از اختلاف بنی‌عباس و انقراض آن‌ها، سال‌ها می‌گذرد؛ اما در آن زمان و در ابتدای به قدرت رسیدن آنان، اهل بیت علیهم السلام با این پیشگویی، شیعیان را از دل بستن به حکومت آنان بر حذر می‌داشتند و آنان را به آینده، امیدوار نگاه می‌داشتند. پس فاصله میان اختلاف بنی‌عباس و ندای آسمانی، زیاد است؛ ولی

آن زمان، این مطلب علامت ظهور بوده است، مگر این که بگوییم دولت بنی عباس دوباره تشکیل می‌شود.

۲. نشانه‌ای در ماه رجب

در حدیثی از داوود بن سرحان از امام جعفر صادق علیه السلام به این نشانه اشاره شده است. در این روایت آمده است: «سالی که در آن صیحه واقع می‌شود، قبل از آن در رجب نشانه‌ای رخ می‌دهد». گفتیم: «آن چیست؟» فرمود: «صورتی در ماه نمایان می‌شود و دست آشکاری» (نعمانی، همان: ص ۲۶۱).

البته این حدیث از حیث سند، به دلیل توثیق نشدن «عباس بن عبدالله» ضعیف است و از حیث دلالت، منفرد است و نمی‌توان به آن اعتماد کرد؛ اما در روایات ندا، دو حدیث ندای آسمانی را در ماه رجب مطرح می‌کنند که یکی از آن‌ها، روایانش از عامه می‌باشند و از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ص ۱۵۶) و دیگری روایت حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام است. این روایت، گر چه از حیث سند معتبر است؛ اما نقل‌های متفاوتی از آن به دست ما رسیده است و همین امر، باعث سلب اعتماد درباره وقوع ندا در ماه رجب می‌شود. ترجمه یکی از متن‌ها از این قرار است:

گویی می‌بینم از وضعشان ناامید شده‌اند که ندایی داده می‌شود و کسی که دور است، مانند کسی که نزدیک است، آن را می‌شنود. آن، رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است. پرسیدم: «پدر و مادرم فدای شما! آن نداء چیست؟» فرمود: «سه صوت در ماه رجب است: اولین آن‌ها «*الا لعنة الله على الظالمين*» و دومی: «*أزفت الأزفة يا معشر المؤمنین*» و سومی، دست آشکاری همراه خورشید می‌بینند که ندا می‌دهد: «آگاه باشید! همانا خداوند فلانی را برای نابودی ستمگران فرستاد و در آن وقت گشایش مؤمنان می‌آید (نعمانی، همان: ص ۲۸۶؛ صدوق، همان، ج ۲، ص ۵۹؛ طوسی، همان: ص ۴۳۹؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ص ۲۸۱؛ صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۶).

مهم‌ترین تفاوت در نقل‌ها با توجه به یکی بودن راوی از امام، تفاوتی است که نقل

شیخ صدوق با نقل شیخ طوسی و نعمانی دارد و آن عدم ذکر محتوای سه ندا و نیز سه ندا بودن و این که ندا در ماه رجب است؛ در حالی که هر سه، از عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن هلال از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام روایت را نقل می‌کنند. با توجه به این که مسعودی نیز بودن نداهای سه گانه را در ماه رجب نیاورده است و تنها محتوای نداها را می‌آورد، نمی‌توان به این حدیث اعتماد کرد و با این حدیث، بودن ندا در ماه رجب ثابت نمی‌شود.^۱

۳. سختی، ترس، مرگ

یکی از نشانه‌های عمومی قبل از ندای آسمانی، مرگ و میرها به دلیل بیماری و کشتار میان مردم است که این امر، باعث ترس همگانی و سلب آسایش و سختی برای همگان می‌شود. روایاتی، این مطلب را بیان می‌کنند (نعمانی، همان: ۴۷۰ و ۲۷۵ و ۲۸۸). اینک ترجمه یکی از این احادیث را بیان می‌کنیم: «مردم از آنچه بر سرشان می‌آید و نیز از ترس، دچار سختی شدیدی می‌شوند و آن حال پایان نمی‌یابد، تا این که منادی از آسمان ندا می‌دهد». این حدیث از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است.

۴. یأس و ناامیدی

از اموری که پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام و ندای آسمانی رخ می‌دهد، یأس و ناامیدی است که بر جهانیان سایه می‌اندازد و آنان امید خود را از آمدن منجی از دست می‌دهند. در احادیث مربوط به نشانه‌های قیام، این مطلب به وضوح مشاهده می‌شود و عباراتی چون «فخروجه إذا خرج عند الیأس و القنوط من أن یروا

۱. اگر گفته شود در نقل احادیث، اصل عدم زیاده، بر اصل عدم تقیصه مقدم است و به دلیل ذکر نشدن نیمی از روایت در نقل شیخ صدوق، نقل شیخ طوسی و نعمانی بر آن مقدم است و با این بیان، ندای آسمانی در ماه رجب توسط این حدیث ثابت می‌شود، می‌گوییم در مورد یک یا دو کلمه یا یک جمله احتمال غفلت و افتادگی از راوی یا نساخ پذیرفتنی است؛ ولی نمی‌توان پذیرفت که ذکر نکردن چندین سطر توسط شیخ صدوق از روی غفلت باشد، مگر اینکه بگوییم شیخ صدوق به دلیل عدم اعتماد به بقیه حدیث به دلیل اختلاف در نقل‌ها از آوردنش صرف نظر کرده است.

فرجاً» (نعمانی، همان: ص ۲۶۲) و «إنما یجئ الفرج علی الیأس» (حمیری، بی تا: ص ۱۶۸) بر این مطلب دلالت می کنند.

در برخی روایات، این مطلب یکی از نشانه های قبل از ندای آسمانی معرفی شده است (صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۹؛ همو، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۶). امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «همانا برای محقق شدن این امر، مایوس تر و غمناک تر می شوید، تا این که منادی از آسمان به اسم قائم علیه السلام و نام پدرش ندا می دهد» (نعمانی، همان: ص ۱۸۶).

د. محتوای ندای آسمانی

مضمون ندای آسمانی را می توان به دو قسمت اخباری و انشایی تقسیم کرد. مراد از محتوای اخباری، مطالبی است که قالب دستوری ندارد و برای آگاهی مخاطبان است و محتوای انشایی آن است که قالب دستوری دارد و شنونده را به انجام اموری فرا می خواند. اینک به توضیح این دو قسم می پردازیم:

محتوای اخباری

معرفی حضرت مهدی علیه السلام به نام و نسب که ده ها حدیث به آن اشاره دارند (نعمانی، همان: ص ۱۶۸ و ۲۶۲ و...؛ صدوق، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۵۹۷؛ کلینی، همان: ج ۸، ص ۱۷۸؛ طوسی، همان: ص ۴۵۲) و بیان امارت و حکومت برای حضرت مهدی علیه السلام که چندین روایت (نعمانی، همان: ص ۲۶۶؛ صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۵؛ خزاز قمی، همان: ص ۱۴۷) با عبارت هایی چون «ان ولیکم فلان بن فلان القائم بالحق»؛ «هذا المهدي خليفة الله»؛ «فلان بن فلان هو الامام» بر این مطلب دلالت می کنند. معرفی اهل حق و رهبر آنان به جهانیان که چندین روایت (صدوق، همان: ج ۱، ص ۶۰۳ و ۲، ۶۰ و ۵۵۸؛ طوسی، همان: ص ۴۳۵ و ۴۵۴؛ کلینی، همان: ج ۸، ص ۲۵۸؛ نعمانی، همان: ص ۲۶۷ و ۲۷۲) با عبارت های «الا ان الحق مع علی و شیعتة»؛ «ان علیاً و شیعتة هم الفائزون»؛ «الا ان حجة الله نقد ظهر... فان الحق معه و

فیه» این مطلب را بیان می‌کنند. معرفی توصیفی حضرت مهدی علیه السلام در چندین روایت (صدوق، همان: ج ۲، ص ۶۰؛ نعمانی، همان: ص ۳۰۱؛ حسینی، همان: ج ۲، ص ۷۳۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ص ۲۰۸) با عبارت‌های «خیرامة محمد»؛ «القائم بالحق» و... و خبر دادن از ظهور حضرت مهدی علیه السلام با عبارت‌های «الا ان حجة الله قد ظهر عند بيت الله» (صدوق، همان: ج ۲، ص ۶۰) و خبر دادن از پایان حکومت جباران، با عبارت «ایها الناس قطع عنکم مدة الجبارین» (مفید، همان: ص ۲۰۸) دلالت بر محتوای اخباری ندای آسمان می‌کنند.

محتوای انشایی

مطالب دستوری ندای آسمانی که توسط جبرئیل علیه السلام اعلان می‌شود، چیست؟ اینک به بیان آنچه از روایات ندای آسمانی در این باره استفاده می‌شود، می‌پردازیم.

۱. دستور حرکت به سوی مکه

حدیثی که از حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، این مطلب در محتوای ندا با عبارت «فالحقوا بمكة؛ به مکه ملحق شوید» (مفید، همان: ص ۲۰۸؛ اموی دانی، بی تا، ص ۶۱) بیان شده است؛ ولی حدیث از حیث سند، ضعیف است؛ زیرا از منابع عامه نقل شده است. در روایت دیگری نیز این مطلب آمده است؛ ولی به عنوان محتوای ندا مطرح نشده است. طبق این روایت که از امام باقر علیه السلام نقل شده است، دستور به رفتن می‌دهد. در این حدیث آمده است: «وقتی ندا داده شد: کوچ کنید، کوچ کنید. به خدا قسم! گویی او را میان رکن و مقام می‌نگرم» (نعمانی، همان: ص ۲۷۰).

۲. دستور به پیروی از حضرت مهدی علیه السلام

احادیثی با عبارت‌های «فاتبعوه» (صدوق، همان: ج ۲، ص ۶۰؛ خزاز قمی، همان: ص ۱۴۷) و «فاسمعوا له و اطیعوه» (نعمانی، همان: ص ۳۰۱) به بیان این مطلب در

محتوای ندای آسمانی می‌پردازند که وظیفه مخاطبان را گوش دادن به سخنان ایشان و فرمانبری معرفی می‌کنند.

۳. دستور قیام به حضرت مهدی علیه السلام

در روایتی که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، محتوای ندا را متوجه حضرت مهدی علیه السلام می‌داند، نه مردم. در این روایت، چنین آمده است: «ینادی باسم القائم یا فلان بن فلان قم؛ به اسم قائم علیه السلام ندا داده می‌شود که یا فلان بن فلان! قیام کن» (نعمانی، همان: ص ۲۸۷). این ندا باید اشاره به دستور خداوند به حضرت مهدی علیه السلام برای قیام داشته باشد و با ندای آسمانی که مخاطب آن مردم هستند، فرق دارد؛ همان‌طور که در احادیثی ندای شمشیر و پرچم حضرت مهدی علیه السلام به ایشان برای قیام مطرح شده است (صدوق، همان: ج ۱، ص ۴۹۸؛ خزاز قمی، همان: ص ۲۶۶).

۴. باز داشتن از قتل و خونریزی

روایاتی با مضمون مشابه که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده و در کتاب نعمانی پشت سر هم آمده‌اند، بازداشتن از قتل و خونریزی را به عنوان محتوای ندا آورده‌اند. یکی از این روایات چنین است: «همانا منادی به اسم صاحب‌الامر، از آسمان ندا می‌دهد که: آگاه باشید امر برای فلان بن فلان است؛ پس برای چه می‌جنگید؟» (نعمانی، همان: ص ۲۷۵). این احادیث علاوه بر این، نشانگر قتل و خونریزی هنگام وقوع ندا می‌باشند.

ه. مخاطبان ندای آسمانی

تمام اهل زمین، ندای آسمانی را می‌شنوند. این مطلب در احادیث اهل بیت علیهم السلام با تعبیرهای شنیدن اهل مشرق و مغرب (طوسی، همان: ص ۱۷۷ و ۴۵۴؛ نعمانی، همان: ص ۲۶۲). شنیدن تمام اهل زمین (صدوق، همان: ج ۲، ص ۶۰؛ نعمانی، همان: ص ۲۶۷؛ خصیبه، همان: ص ۳۶۴)، شنیدن تمامی جانداران (نعمانی،

همان: ص ۳۰۱)، عام بودن ندای آسمانی (صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۶) مطرح شده است.

ویژگی دیگر ندا برای مخاطبان، شنیدن هر قوم و گروه به زبان خودشان است؛ یعنی اگر کسی زبان مادری او عربی است یا فارسی یا هر زبان دیگر، ندا را به همان زبان می‌شنود. سه حدیث که از جهت سند، معتبر هستند با عبارت‌های: «یسمعه کل قوم بألسنتهم»؛ «حتى یسمعه کل قوم بلسانهم»؛ «عام یسمع کل قوم بلسانهم» به بیان این مطلب می‌پردازند (طوسی، همان: ص ۴۳۵؛ صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۶؛ نعمانی، همان: ص ۲۸۲).

ویژگی سوم ندا یکنواختی آن برای شنوندگان است و دوری یا نزدیکی، معنا ندارد. روایت معتبری از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به این مطلب اشاره دارد: «قد نودوا نداء یسمع من بُعد كما یسمع من قرب؛ به تحقیق ندایی داده می‌شوند که از دور شنیده می‌شود؛ همان‌طور که از نزدیک شنیده می‌شود (صدوق، همان: ص ۵۵۶).

و. غیر منتظره بودن ندای آسمانی

حالاتی که مخاطبان ندای آسمانی، هنگام شنیدن آن از خود بروز می‌دهند، نشانگر غیر منتظره بودن آن برای آنان است. این حالت‌ها، نوعی ترس همراه حیرت و تعجب را نشان می‌دهند. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «إذا سمعوا الصوت اصبحوا و كأنما علی رؤوسهم الطیر؛ وقتی صدا را می‌شنوند، مانند کسانی خواهند بود که پرنده‌ای بر سرشان نشسته است» (نعمانی، همان: ص ۲۷۰). این روایت، شدت حیرت و ترس مخاطبان را نشان می‌دهد و آنان را به فردی تشبیه می‌کند که پرنده‌ای بر روی سرش نشسته و برای فرار نکردن آن پرنده، سر جایش بی‌حرکت می‌ماند. اینک به صورت اجمالی به بیان تأثیرهای ندای آسمانی بر روی مخاطبان می‌پردازیم:

یکم. کرنش و ایمان ابتدایی

اولین تأثیر ندا بر مخاطبان، خضوع و تسلیم برابر آن است. احادیث ذیل آیه چهارم سوره شعراء به بیان آن می‌پردازند. یکی از روایات چنین است:

«هنگام اعلان ندا، کسی روی زمین نمی‌ماند، مگر این‌که گردنش درمقابل ندای آسمانی، افتاده می‌شود و اهل زمین، وقتی صدا را از آسمان می‌شنوند، به آن ایمان می‌آورند (نعمانی، همان: ۲۶۷؛ کلینی، همان: ج ۸، ص ۲۵۸؛ قمی، همان: ج ۲، ص ۱۱۸).

دوم. بیرون آمدن دختران پرده نشین

در گذشته به صورت معمول دختران از خانه‌ها کمتر بیرون می‌آمدند؛ ولی تأثیر آن ندا به قدری است که این دختران از خانه بیرون می‌آیند و حالت عادی خود را کنار می‌گذارند تا ببینند چه خبر است. این مطلب به یکی از دو وجه قابل تفسیر است:

۱. در آن زمان، هنوز - هر چند به تعداد کم - دخترانی هستند که به ندرت از خانه بیرون می‌آیند و این اطلاق بر آنان صحیح است.
۲. اهل بیت علیهم‌السلام برای بیان شدت تأثیر ندا بر مخاطبان، این مطلب را آورده‌اند که حتی کسانی که معمولاً در خانه هستند، به واسطه ندای آسمانی، از خانه بیرون می‌آیند. احادیثی با تعبیر «تخرج الفتاة من خدرها» و «تخرج العذراء من خدرها» (نعمانی، همان: ص ۳۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۶) به بیان این مطلب می‌پردازند.

سوم. بیدار شدن خفتگان

ندای آسمانی، برای همگان است و حتی افراد خواب را شامل می‌شود. آنان از شنیدن صدا، بیدار می‌شوند یا این‌که صدا به قدری هولناک است که افراد خواب، آن را می‌شنوند و وحشت زده بر می‌خیزند. احادیثی با عبارت‌های: «توقظ النائم» (نعمانی، همان: ص ۲۶) «لایبقی راقدا الا استيقظ» (نعمانی، همان: ص ۲۶۶) «فتوقظ

النائم و یخرج الی صحن داره» (نعمانی، همان: ص ۳۰۱) «فلا یبقی راقدا الا قام» (طوسی، همان: ص ۴۵۴) بر بیدار شدن افراد خواب دلالت می کنند.

چهارم. وحشت افراد بیدار

در روایاتی، وحشت افراد بیدار از ندای آسمانی، با عبارت «تفرع الیقظان» بیان شده است (نعمانی، همان: ص ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۶).

پنجم. نشستن افراد ایستاده و ایستادن افراد نشسته

تأثیر ابتدایی ندای آسمانی بر افراد، به قدری است که ایستادگان می نشینند و نشستگان، از وحشت بر می خیزند. احادیثی بر این مطلب دلالت می کنند (طوسی، همان: ص ۴۵۴؛ نعمانی، همان: ص ۲۶۲). ترجمه یکی از روایات چنین است: «ایستاده ای نیست، مگر این که می نشیند و نشسته ای نیست، مگر این که به خاطر ترس از آن صدا می ایستد».

محور دوم. پیامدهای ندای آسمانی

هنگامی که توسط جبرئیل امین علیه السلام ندا داده می شود، واکنش ابتدایی مخاطبان، خضوع و ایمان همراه تعجب توأم با ترس است که در فصل پیشین بیان شد؛ ولی بعد از ساعاتی، واکنش واقعی اهل ایمان و کفر روشن می شود. همچنین بعد از این ندا، حضرت مهدی علیه السلام از پرده غیبت بیرون می آید. در این فصل به بیان پیامدهای ندا می پردازیم:

الف. خروج حضرت مهدی علیه السلام

ندای آسمانی، اعلان ظهور و آمدن امام مهدی علیه السلام است؛ پس اولین پیامد آن، باید ظهور حضرت باشد. در روایتی از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است: «و یخرج القائم مما یسمع و هی صیحة جبرئیل علیه السلام؛ حضرت مهدی علیه السلام وقتی ندا را می شنود، ظاهر می شود و آن، صدای جبرئیل امین علیه السلام است» (نعمانی، همان: ص ۳۰۱).

احادیث دیگری نیز بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام بعد از صیحه آسمانی دلالت می‌کنند (نعمانی، همان: ص ۲۶۲؛ صدوق، همان: ج ۱، ص ۶۰۳؛ مفید، همان: ص ۲۰۸).

ب. واکنش اهل ایمان

ندای آسمانی، بشارتی برای مؤمنان است. پس از قرن‌ها انتظار، حجت خداوند و نگین آفرینش از پرده غیبت بیرون آمده و با ظهورش، جهان را نورانی خواهد کرد؛ از این‌رو چنین روزی برای مؤمنان، روز سرور و شادی خواهد بود. در حدیثی می‌خوانیم: «الا ذلک یوم فیه سرور ولد علی و شیعه؛ آگاه باشید، آن روز [= روز اعلان ندای آسمانی] روز شادی فرزندان علی علیه السلام و شیعه او است (نعمانی، همان: ص ۱۴۴).

ج. واکنش کافران

کافران و معاندان، وقتی می‌شنوند به نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام ندا داده می‌شود، می‌فهمند وقت نابودی حکومت‌های ظالم آنان فرا رسیده است و برابر کسی هستند که قدرت آسمانی با اوست و توان مقابله با او را ندارند. آنان ابتدا به ناتوانی خود اقرار می‌کنند؛ ولی - همچون ابلیس لعین که می‌دانست مقابل پروردگار متعال ایستادن، یعنی نابودی و با این حال به جای توبه، گردنکشی کرد و بر انحراف خود افزود - بر لجاجت خود می‌افزایند و مقابل حضرت، صف آراییی می‌کنند و نبردهای آن امام معصوم با چنین افرادی خواهد بود.

در احادیث اهل بیت علیهم السلام، روز اعلان ندا، روز سختی برای کافران شمرده شده است: «عذاباً علی الکافرین» (صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۹؛ اربلی، ۱۳۸۱: ص ۵۲۴؛ حسینی، همان: ص ۷۰۸).

د. ندای ابلیس

اگر ندای آسمانی، فقط توسط جبرئیل امین علیه السلام داده می‌شد، همگان برابر آن سر تسلیم فرود می‌آوردند. در روایتی از زراره بن اعین می‌خوانیم: به امام جعفر

صادق علیه السلام عرض کردم: «تعجب می‌کنم، خدا شما را سلامت بدارد! با وجود عجایبی چون خسف بیداء سپاه [سفیانی] و ندایی که از آسمان است، چگونه باز با حضرت مهدی علیه السلام می‌جنگند؟» حضرت فرمود: «همانا شیطان آنان را رها نمی‌کند، تا اینکه ندا می‌دهد، همان‌طور که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز عقبه^۱ ندا داد» (نعمانی، همان: ص ۲۷۳).

اکنون سؤال این است که آیا شیطان می‌تواند معجزه‌های بی‌اورد و با این عمل، به مقابله با حجت‌های الهی بپردازد و مردم را گمراه کند؟ یکی از اندیشوران، با بیان دو مقدمه، ندای ابلیس را نمی‌پذیرد.

مقدمه اول: تعداد روایات دلالت‌کننده بر ندای باطل، نسبت به تعداد اخبار ندای حق، بسیار کم است. مقدمه دوم: اگر ما ظهور اولی این اخبار را بنا بر فهم تقلیدی بپذیریم، صادر شدن ندای باطل، به شکل اعجازی و متافیزیکی، معجزه‌های صادر شده از جانب باطل است.

ایشان در ادامه، معجزه از طرف باطل را به دلیل فریفتن انسان‌ها و سوق دادن آنان به سوی انحراف و جهالت، بر خداوند محال می‌شمرد و سپس می‌گوید: وقتی این دو مقدمه تام است، لازم است این اخبار را کنار بگذاریم؛ زیرا این روایات کم هستند و دلالت بر امر محالی می‌کنند؛ پس عمل کردن به آن‌ها محال است (صدر، ۱۴۱۲: ص ۱۳۲).

در پاسخ این عالم می‌توان گفت:

اولاً بیش از پانزده حدیث که تعدادی از آن‌ها از حیث سند، معتبر هستند درباره ندای ابلیس آمده است (صدوق، همان: ص ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۸؛ نعمانی، همان: ص ۲۶۲ و ۲۶۷ و ۲۶۹ و ۲۷۲ و ۲۷۴؛ طوسی، همان: ص ۴۳۵ و ۴۶۱؛ کلینی، همان: ج ۸، ص ۱۷۷ و ۲۵۸؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۵۸).

۱. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جمره عقبه با اهل یثرب مشغول بستن پیمان بود، ابلیس با ندای خود اهل مکه را برای مقابله با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خبر کرد.

به راحتی نمی‌توان این روایات را کنار گذاشت. این اخبار، در مقایسه با اخبار ندای آسمانی و معرفی نام و نسب حضرت مهدی علیه السلام کمتر است؛ ولی در صورت عدم تعارض، نمی‌توان آن‌ها را ترک کرد.

ثانیاً در اخبار ندای آسمانی، عبارت‌هایی دال بر همگانی بودن و شنیدن هر قومی با زبانشان وجود داشت؛ ولی در اخبار ندای ابلیس، عبارتی که همگانی بودن آن را برساند، وجود ندارد، مگر این که از روی تقابل با ندای آسمانی، قایل به فراگیر بودن آن شویم؛ از این رو ندای ابلیس، مانند سحر جادوگران مقابل معجزه حضرت موسی علیه السلام است؛ یعنی به وضوح، حق از باطل مشخص است؛ ولی اهل باطل به دنبال بهانه‌ای هستند، تا به حق نگروند و جبهه‌ای مقابل آن تشکیل دهند. اگر نام «ابلیس» در بیشتر اخبار ندای شیطانی نیامده بود، قائل به ندای شیطانی انسی می‌شدیم و آن را به وسیله ابزار ساخت بشر معرفی می‌کردیم. همچنین در دو روایت، این ندا به ندای ابلیس در جمره عقبه بر ضد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تشبیه شده است (صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۵؛ نعمانی، همان: ص ۲۷۳).

در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام می‌خوانیم:

همانا امر ما روشن‌تر از این خورشید است. سپس فرمود: منادی از آسمان ندا می‌دهد به نام فلان بن فلان که او امام است و ابلیس - لعنت خدا بر او باد - از زمین ندا می‌دهد، همان‌طور که شب عقبه بر ضد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ندا داد (صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۵).

در این حدیث، امر اهل بیت علیهم السلام در آخر الزمان «أبین من الشمس» معرفی شده است و این مطلب، نشانگر شناسایی راحت ندای آسمانی از ندای ابلیس است. اگر کسی خود مشکل نداشته باشد، دنباله روی از ندای حق، آسان خواهد بود.

اینک به معرفی اجمالی ندای ابلیس می‌پردازیم:

نخست. ویژگی‌های ندای ابلیس

از میان احادیث مطرح کننده ندای شیطانی، بیشتر آن‌ها منادی را «ابلیس»

معرفی می‌کنند که نیمی از آن‌ها، سندشان معتبر است.^۱

مکان ندای ابلیس، زمین معرفی شده است. در روایتی که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، صوت او از آسمان معرفی می‌شود. در این حدیث چنین آمده است: «ابلیس لعین از زمین بالا می‌رود، تا این‌که ناپدید می‌شود و سپس ندا می‌دهد» (نعمانی، همان: ص ۲۶۹). روایت دیگری نیز به این مضمون وارد شده است. به سبب روایات دیگر که دال بر زمینی بودن ندای ابلیس است، می‌توان از این دو حدیث، صرف نظر کرد یا این‌که بگوییم به دلیل باطل بودن ندای ابلیس، این ندا - که از آسمان پخش می‌شود - زمینی معرفی شده است و در مقابل، ندای آسمانی، هم از آسمان است، هم به دلیل بر حق بودن آن، آسمانی معرفی شده است. مؤید این مطلب روایتی است که از هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. در این حدیث آمده است: «واحدة من السماء و واحدة من ابلیس» (نعمانی، همان: ص ۲۷۴). این روایت، به جای زمینی معرفی کردن ندای ابلیس، آن را از ابلیس معرفی می‌کند. گویی مراد از آسمانی بودن ندای آسمانی، حقانیت آن است که این گونه یکی آسمانی و یکی از ابلیس در مقابل هم مطرح می‌شوند.

بیشتر احادیث، زمان ندای شیطانی را آخر روز می‌دانند (نعمانی، همان: ص ۲۶۲؛ صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۸؛ طوسی، همان: ص ۴۳۵ و ۴۵۴). و احادیثی، زمان آن را فردای ندای آسمانی معرفی می‌کنند (نعمانی، همان: ص ۲۶۷ و ۲۶۹). بنابر تکرار ندای آسمانی در شب و اول روز بیست و سوم، ندای ابلیس به نسبت هر یک، زمان متفاوتی پیدا می‌کند و تفاوت مطرح شده در این احادیث می‌تواند از این جهت باشد؛ ولی نقطه اشتراک این روایات، متأخر بودن ندای ابلیس، در مقایسه با ندای آسمانی است؛ یعنی ندای آسمانی - چه یک بار باشد یا دو بار -

۱. منبع این روایات در بحث ویژگی‌های ندای ابلیس به تدریج ذکر می‌شود.

قبل از ندای ابلیس واقع می‌شود و ندای ابلیس، واکنشی مقابل آن است. محتوای ندای ابلیس بر مظلومیت خلیفه سوم و به ناحق ریخته شدن خون او و طلب خونخواهی برای او زیر پرچم سفیانی است که از دودمان بنی امیه می‌باشد. بیش از ده حدیث، به محتوای ندای ابلیس اشاره دارند (نعمانی، همان: ص ۲۶۲ و ۲۶۷ و ۲۶۹ و ۲۷۲؛ طوسی، همان: ص ۴۳۵؛ صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۸). به نظر می‌رسد با توجه به کثرت مسلمانانی که عثمان بن عفان را به عنوان خلیفه سوم قبول دارند، مطرح کردن حقانیت وی به دلیل دستیابی به جاهتی برای سفیانی میان مسلمانان باشد و آنان دنباله رو سفیانی شده یا حداقل دچار شک و تردید شوند و از همراهی با حضرت مهدی علیه السلام کناره گیرند. می‌توان گفت آن هنگام ابلیس دستمایه‌ای بهتر از این برای تقویت جبهه باطل به فرماندهی سفیانی ندارد.

دوم. هدف از ندای ابلیس

ندای ابلیس، پایان روزی که ندای آسمانی در آن اتفاق می‌افتد یا فردای آن روز، نشان از واکنش سریع اهل باطل به سرکردگی ابلیس است و هدف آن جلوگیری از تأثیر ندای آسمانی و تردید در دل شنوندگان آن است. احادیثی با عبارت‌های «لیشکک الناس و یفتنهم» و «یشکک الناس» به این مطلب اشاره دارند (نعمانی، همان: ص ۲۶۲؛ صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۶).

سوم. تأثیر ندای ابلیس

ندای ابلیس، باعث شک و تردید در دل اهل باطل و بازگشتن آنان از پذیرش ندای آسمانی می‌شود. عبارت «فعند ذلک یرتاب المبطلون» در چند حدیث تکرار شده است که نشان از شک اهل باطل، بعد از شنیدن ندای ابلیس دارد (طوسی، همان: ص ۴۳۵ و ۴۵۴؛ صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۸).

طبق برخی احادیث، اهل باطل، ندای آسمانی را سحری از جانب اهل بیت علیهم السلام

مطرح می‌کنند و از آن باز گشته و با ندای ابلیس دلگرم می‌شوند و به دنبال مقابله با ندای آسمانی و اهل حق می‌افتند؛ ولی اهل ایمان، ثابت قدم می‌مانند و ندای شیطان در آنان تأثیری نمی‌گذارد (نعمانی، همان: ص ۲۶۷).

خاتمه

ندای آسمانی را می‌توان به وسیلهٔ مقدم بودن بر ندای ابلیس و آگاهی قبلی از رخ دادن آن و نیز از روی محتوای آن شناخت؛ زیرا ندای آسمانی به معرفی حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازد؛ کسی که همهٔ مسلمانان به آن عقیده دارند و او را از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام می‌دانند؛ در حالی که ندای ابلیس، مردم را به سوی فردی از بنی امیه فرا می‌خواند. برای شناخت ندا توسط مردم، وظیفه عالمان دین را نباید فراموش کرد که باید این آگاهی‌ها را در آن زمان به مردم برسانند. این مطالب در احادیث اهل بیت علیهم السلام مطرح شده است (نعمانی، همان: ص ۲۶۲ و ۲۶۷ و ۲۶۹ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴؛ کلینی، همان: ج ۸، ص ۲۰۸).

به دنبال اعلان ندای آسمانی، وظیفه ما گوش دادن به محتوای آن و دنباله روی از آن است که در احادیث، عبارت‌هایی چون: «فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت فاجاب» (نعمانی، همان: ص ۲۶۲) یا «و اسمعوا و اطيعوا» (صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۵۸) یا «فاتبعوا الصوت الاول» (نعمانی، همان: ص ۲۷۰) این مطلب را می‌رساند. ندهای دیگری در روایات اهل بیت علیهم السلام با عنوان ندای بعد از بیعت جبرئیل علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام در کنار کعبه (صدوق، همان: ج ۲، ص ۵۸۹؛ عیاشی؛ ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۵۴) و ندای قبل از پایان دنیا (نعمانی، همان: ص ۳۳۵؛ عیاشی، همان: ج ۱، ص ۲۰۷) مطرح شده‌اند که به دلیل کمی روایت دربارهٔ آن‌ها و نبود حوصله این نوشتار متذکرشان نمی‌شویم.

در پایان، این نکته قابل ذکر است که عامه نیز ندای آسمانی را مطرح کرده‌اند. آنان قایل به سه صوت هستند: اولین آن‌ها، صوتی بدون محتوا در نیمه ماه مبارک

رمضان (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴، ۵۶۳) و دومین آن‌ها، ندای آسمانی با محتوا که به معرفی حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازد (اموی دانی، بی تا: ۲۶۸) و سومی ندای بعد از خروج حضرت مهدی علیه السلام است که فرشته‌ای بالای سرش ندا می‌دهد (ابن عدی، ۱۴۰۹: ج ۵، ص ۲۹۶). بررسی و به تفصیل سخن گفتن از آن‌ها، نوشتار دیگری می‌طلبد.

منابع

۱. ابن عدی، عبدالله، *الكامل*، لبنان، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، لبنان، دار صادر، بی تا.
۳. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، *السيرة النبوية*، لبنان، دارالمعرفة، بی تا.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه*، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۶. اموی دانی، عثمان بن سعید، *السنن الواردة فی الفتن*، اردن، بیت الافکار الدولیه، بی تا.
۷. بحرانی، هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۸. بحرانی، هاشم، *المحجة فیما نزل فی القائم الحجة*، قم، بی جا، بی تا.
۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة*، قم، العلمیه، بی تا.
۱۱. حسینی، شرف الدین، *تأویل الآیات الظاهره*، قم، اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، تهران، کتابخانه نینوا، بی تا.
۱۳. خراسانی، جواد، *مهدی منتظر*، تهران، لاهوت، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. خزاز قمی، علی بن محمد، *کفایة الاثر*، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۱۵. خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الكبرى*، لبنان، البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
۱۶. دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، *البداية والنهاية*، لبنان، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۱۸. راوندی، قطب الدین، *قصص الانبیاء*، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بابویه، *عیون اخبار الرضا*، بی جا، جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بابویه، *کمال الدین وتمام النعمه*، قم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بابویه، *من لایحضره الفقیه*، قم، اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *التهدیب*، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۲۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، قم، معارف اسلامی، ۱۴۲۵ ق.
۲۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *اختصاص*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. صدر، محمد، *تاریخ ما بعد الظهور*، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.
۲۸. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم والملوک*، لبنان، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.

۳۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۲ ش.
۳۱. عاملی، جعفر مرتضی، دراسة فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء، قم، جبل عامل الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بی جا، دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. قزوینی، محمد کاظم، الامام المهدی علیه السلام من المهدی الی الظهور، قم، محلاتی، ۱۳۸۰ ش.
۳۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، لبنان، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۳۸. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۳ ق.
۳۹. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، لبنان، دارالأضواء، ۱۴۰۹ ق.
۴۰. معتزلی، عبدالمجید بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب اسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۴۲. موسوی اصفهانی، محمد، مکمال المکارم، قم، ایران نگین، ۱۳۸۱ ش.
۴۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، قم، مدین، ۱۴۲۶.